

ماهیت رهبری ارکستر

Shiraz-Beethoven.ir

نوشته‌ی کریستوفر سیمن

ترجمه‌ی مهرداد فرید



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور
تهران ۱۳۹۸

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست مطالب

۸	مقدمه‌ی دیوید زینمن
۹	پیش‌گفتار نویسنده
۱۱	تشکر و قدردانی

بخش اول: ذهن رهبر

۱۵	۱. پس‌زمینه
۱۹	۲. هارمونی
۲۳	۳. حافظه
۲۷	۴. گوش مطلق
۲۹	۵. آموزش رهبران
۳۷	۶. ارکستر نوجوانان

بخش دوم: مهارت‌های رهبر

۴۳	۷. تعادل صدا
۴۹	۸. آثار گُرال
۵۳	۹. همراهی کردن کنسرتو
۶۰	۱۰. گوش
۶۳	۱۱. ارتباط چشمی
۶۶	۱۲. اپرا
۷۱	۱۳. تمرین با ارکستر

بخش سوم: دست‌های رهبر

۱۴. باتون (چوب رهبری) ۸۵
۱۵. ضرب ۸۹
۱۶. پشت ضرب نواختن ۱۰۵
۱۷. هدایت ارکستر از پشت هارپسیکورد ۱۰۹
۱۸. صرفه‌جویی در حرکات و اشارات، کیو دادن، استفاده از دست چپ ۱۱۲

بخش چهارم: رهبر و نوازنده‌ها

۱۹. برگزاری امتحانات برای استخدام نوازنده ۱۲۱
۲۰. ارکستر مجلسی ۱۲۵
۲۱. رهبر دائم ۱۲۷
۲۲. دوست یا رئیس؟ ۱۳۲
۲۳. نوازندگی در ارکستر ۱۳۵
۲۴. نقش کنسرت‌مایستِر ۱۴۴
۲۵. تکنوازی در آثار ارکسترال ۱۴۷
۲۶. چیدمان ارکستر ۱۵۱

بخش پنجم: رهبر و سازها

۲۷. زهی‌ها ۱۶۱
۲۸. بادی‌ها ۱۷۴
۲۹. تیمپانی و پرکاشین (سازهای کوبه‌ای) ۱۸۱

بخش ششم: رهبر، آهنگساز و پارتیتور

۳۰. آهنگسازان ۱۹۱
۳۱. مطالعه‌ی پارتیتور و تفسیر ۱۹۵
۳۲. علامت‌گذاری پارت‌ها ۲۰۳
۳۳. اصول اجرا ۲۱۰
۳۴. شکل و ساختار ۲۲۳
۳۵. تمپو و مترونوم ۲۲۹

بخش هفتم: رهبر و مخاطب

- ۲۴۱ ۳۶. خطاب قرار دادن حضار
- ۲۴۴ ۳۷. تشویق حضار، رفتار صحنه، سرفه
- ۲۴۸ ۳۸. برنامه‌ریزی رپرتوار

بخش هشتم: رهبر و «کسب و کار»

- ۲۵۳ ۳۹. شغل و مدیر برنامه
- ۲۵۷ ۴۰. منتقدان
- ۲۵۹ ۴۱. جنسیت
- ۲۶۱ ۴۲. رهبر ارکستر مهمان
- ۲۶۵ ۴۳. مدیریت ارکستر
- ۲۶۸ ۴۴. ضبط کردن
- ۲۷۱ ۴۵. سفر کردن و چمدان بستن

بخش نهم: درون یک رهبر

- ۲۷۷ ۴۶. تمرکز کردن
- ۲۸۰ ۴۷. کنترل و قدرت
- ۲۸۴ ۴۸. غرور
- ۲۸۷ ۴۹. زبان‌ها
- ۲۸۹ ۵۰. اضطراب داشتن
- ۲۹۲ ۵۱. میراث ما: برخی از پیش‌گسوتان، و ارتباط من با آنها

۳۰۱ فهرست پیشنهادی برای مطالعه

۳۰۵ فهرست نت‌هایی که در کتاب آمده‌اند

۳۰۹ نمایه‌ی نام‌ها

مقدمه‌ی دیوید زینمن

برای من لذتی بزرگ است که این کتاب، نوشته‌ی کریستوفر سیمن را معرفی کنم. نه فقط به خاطر خود کتاب، بلکه به دلیل رابطه‌ی بیش از چهل ساله‌ی من با او. کریستوفر را اولین بار زمانی ملاقات کردم که رهبر دائم ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی اسکاتلند بود. او از من دعوت کرد ارکستر را در یک کنسرت رهبری کنم. چه در طول تمرینات و چه بعد از کنسرت، من غرق در سخاوت روح او شدم. در طول سال‌های پس از آن هم افتخار ارتباط با کریستوفر را در بسیاری از موارد داشتم، هم به عنوان رهبر و هم به عنوان یک معلم بسیار محرک. به‌طور خاص، توانایی‌های او برای حل هر مشکلی، اعم از موسیقایی یا شخصی، توجه مرا جلب کرده است. کریستوفر یک دوست واقعی و یک شخصیت نادر است. هیچ‌کسی وجود ندارد که ترجیح بدهم یک ارکستر خوب را به او بسپارم، کسی که بتوانم تخصص او را عمیقاً تأیید کنم. کریستوفر طنز خوبی دارد و حساس است، استحکام او بی‌ادعا و دانش او در این شغل بی‌نظیر است.

همه‌ی این کیفیت‌ها را می‌توان در این کتاب یافت. ماهیت رهبری ارکستر، نوشته‌ی کریستوفر سیمن نگاه منحصر به فردی است به هنر، عمل و کسب و کار رهبری از منظر یک رهبر استاد و یک نوازنده‌ی سابق ارکستر. این کتاب خلاصه‌ای بسیار دقیق، آموزنده و سرگرم‌کننده از همه‌ی جنبه‌های این حرفه است که به زبانی ساده و شفاف نوشته شده و بدون شک راه خود را به قفسه‌ی کتاب‌های هر رهبر مشتاقی پیدا خواهد کرد و همچنین برای هر کسی که در کنسرت‌ها حضور پیدا می‌کند و کنجکاو است بداند واقعاً چه چیزی آن «سحر و جادوی» بین رهبر و ارکستر را ایجاد می‌کند، جذابیت زیادی دارد. می‌خواهم شخصاً از کریستوفر نهایت سپاسم را بیان کنم به خاطر اینکه بالأخره دانش خود را با ما به اشتراک گذاشت.

دیوید زینمن، ۲۰۱۳

رهبر دائم ارکستر نین‌هال، زوریخ

پس‌زمینه

«براو، کریستوفر، خوب رهبری کردی. می‌دونی، من فکر می‌کنم تو باید موسیقی رو رها کنی و رهبر ارکستر بشی!» یکی از همکاران ارکستر فیلارمونیک لندن بعد از اجرا در یک کنسرت کوچک این پیشنهاد را به شوخی به من داد، وقتی هنوز نوازنده‌ی ارکستر بودم.

رهبران ارکستر سوابق موسیقایی متنوعی دارند. تعداد انگشت‌شماری استعداد بسیار بالایی دارند و می‌توانند با غریزه و استعداد موسیقایی بسیار بالا بخش‌هایی از آموزش سنتی را میان‌بر بزنند و کارهای فوق‌العاده‌ای تولید کنند. ولی اکثریت قریب به اتفاق رهبرها در بعضی مباحث و حوزه‌های کلیدی احتیاج به آموزش و تجربه دارند.

نواختن یک ساز در استانداردهای بالا بسیار حیاتی است، چرا که تناسب حرکات، نظم و انضباط، گوش خوب و توانایی خلق یک اجرا را توسعه و پرورش می‌دهد. مهارت نواختن پیانو سودمند است حتا اگر پیانو ساز اول شما نباشد. در سالن‌های سنتی اپرا در اروپا بیشتر رهبرها کار خود را به عنوان پیانیست (répétiteurs) آغاز می‌کردند، قبل از اینکه به سمت رهبری دست یابند. نواختن پیانو درکی قوی از هارمونی به شما می‌دهد که ماده‌ای کلیدی در ساختار و شکل یک قطعه است. یادگیری موسیقی آهنگسازان بزرگ برای پیانو کمک می‌کند درک بهتری از موسیقی ارکسترال آنها داشته باشید. همین‌طور، توانایی نوازندگی پیانو برای مطالعه‌ی یک قطعه هم به شما کمک می‌کند، به‌خصوص در مراحل اولیه وقتی که در حال یادگیری نت‌ها هستید. کار به عنوان آکومپانیست، حساسیت و سرعت واکنش‌های شما را افزایش می‌دهد و از همراهی کردن نوازندگان و خواننده‌های دیگر بسیار می‌آموزید. نفس گرفتن با آنها به شما می‌آموزد که چطور با کل ارکستر نفس بگیرید.

دانش تئوری و تاریخ موسیقی بخشی از تجهیزات هر رهبر است. هارمونی، کنتراپوان، آهنگسازی، تنظیم، ارکستراسیون، فرم و سبک‌شناسی موسیقی همه در همین گروه قرار می‌گیرند، چرا که بینش و مهارت اجرای هر نوع موسیقی را به شما می‌دهند. شناخت

کلی از تاریخ، ادبیات و هنرهای دیگر، درک رهبر از پس‌زمینه‌ی یک قطعه را عمیق‌تر می‌کند. هر رهبری تا آنجا که ممکن باشد لازم است به موسیقی گوش بدهد، نه تنها موسیقی ارکسترال بلکه اپرا، موسیقی مجلسی و رپرتوارهای آوازی. این مهم است که درک کنید صدادهی هر قطعه، با سازها و سبک نواختن آنها در زمان نوشته شدن قطعه، چگونه می‌توانست بوده باشد. این مطلب را در بخش ششم «اصول اجرا» بحث خواهیم کرد. دانش علمی اگر عاقلانه و با شوق و ذوق ارائه شود، عشق و توجه بیشتر به موسیقی را در هر رهبری افزایش می‌دهد و به او در اجرای عمیق و با صداقت کمک می‌کند.

آهنگسازی و نوشتن هارمونی و گنتروپ‌آن بدون کمک پیانو نیز روش خوبی است. این فرایند همان «شنیدن» قطعه هنگام مطالعه‌ی آن است اما در روندی معکوس. به عنوان یک تمرین مفید، خط ویلن اول یکی از کوارتت‌های زهی موتسارت را انتخاب و سه بخش دیگر را خودتان کامل کنید. سپس به نسخه‌ی اصلی برگردید و از موتسارت درس‌مجان‌بگیری. هر رهبر باید در خواندن پارتیتور و شناختن کلیدهای مختلف و سازهای انتقالی تسلط کامل داشته باشد.

گوش رهبر باید بسیار آموزش‌دیده باشد. تمرین شناخت‌نت‌ها و فواصل، تمرین دیکته‌ی موسیقی تا چهار یا حتی پنج‌صدایی و نیز با آواز خواندن پارتیتور، مهارت‌های شنیداری را توسعه می‌دهند. نوازندگان ارکستر زمانی که بدانند رهبرشان نوازنده‌ای خوب با گوش دقیق است و یک پیش‌زمینه‌ی قوی دارد، احساس اعتماد به نفس می‌کنند. من در بخش دوم یک مقاله راجع به «گوش» دارم.

عضویت در یک گروه‌گر خوب در دوره‌ی کودکی یک پیش‌زمینه‌ی فوق‌العاده را فراهم می‌کند، به این دلیل که آواز خواندن پایه و اساس خلق موسیقی است. یک کودک همه‌ی اطلاعات مهم، شامل ریتم، فرکانس، جمله‌بندی، بیان، موزیکالیت و سبک را جذب می‌کند — تقریباً بدون اینکه متوجه باشد — و بعد این عادات خوب به‌غریزه و ناخودآگاه تبدیل می‌شوند. آواز خواندن در گروه‌گر به شما یاد می‌دهد که با همراهی دیگران موسیقی خلق کنید و می‌آموزد که چگونه یک عضو از یک تیم باشید، تیمی که به چیزی (یا کسی) اختصاص داده شده که از شما فراتر و مهم‌تر است. گنج من همه‌ی آن سال‌هایی است که در گروه‌گر کلیسا می‌خواندم. از ما انتظار بسیار بالایی می‌رفت و هیچ‌کس هرگز به ما نمی‌گفت که چه کار دشواری باید می‌کردیم. به‌وضوح به یاد دارم که سی‌وشش پسر بودیم و چقدر دقیق با هم می‌خواندیم، اغلب بدون رهبر، زیرا اکثر مدیران گروه‌های‌گر کودکان می‌خواهند استعدادهای رهبری را تشویق کنند و توسعه دهند و این موضوع برای یک رهبر آینده بسیار مفید است.

نواختن یک ساز زهی تجربه‌ای با ارزش است، به‌خصوص اگر بتوانید به یک ارکستر پیوندید. در تمرینات ارکستر، بسیاری از ایده‌های رهبر مربوط به زهی‌ها (دوسوم تعداد کل نوازندگان) می‌شود. اگر بدانید که تولید آن احساس و صدای زیبا با سازتان چه زیبایی و لذتی دارد، به احتمال زیاد شانس شما برای خلق یک صدای خوب با ارکستر هم بالا خواهد بود. یک نوازنده‌ی پیر و دوست‌داشتنی ویولا به نام «جانی کلود» را به یاد دارم که همیشه در مورد «عشق‌بازی» با سازش صحبت می‌کرد. من خوشحال بودم که ویولا می‌زدم و اغلب به دانش آموزان رهبری هم نواختن این ساز را توصیه می‌کنم. اندازه‌ی این ساز باعث می‌شود آموختن آن کمی راحت‌تر از ویلن باشد، به‌خصوص اگر یادگیری آن را کمی دیر شروع کرده باشید. فراگیری کلید آلتو منفعت دوم آن است. نواختن در وسط بافت ارکستر نیز به شما آموزش‌های زیادی می‌دهد. اگر رهبر، سازهای زهی را درک نکند نوازندگان بلافاصله متوجه می‌شوند.

اجرای موسیقی مجلسی یک آموزش بسیار عالی و همچنین روش کاملی از خلق موسیقی است که واکنش‌های شما را به نوازندگان دیگر هشیارانه می‌کند و وضوح آنها را افزایش می‌دهد و این یکی از مهارت‌هایی است که در رهبری به آن نیاز دارید. موسیقی مجلسی همچنین به شما می‌آموزد سبک‌های نوازندگی موسیقی‌دانان دیگر را پذیرا تر باشید و به توانایی‌های طبیعی آنها در نوازندگی اعتماد کنید. بنابراین سعی نخواهید کرد ارکستر را بیش از حد کنترل کنید.

نوازندگی در یک ارکستر حرفه‌ای هم خود آموزش و یادگیری است. در میان رهبرهای بزرگ گذشته، آرتور نیکیش (Arthur Nikisch) نوازنده‌ی ویلن بود (که زیر دست واگنر ساز می‌زد)، توسکانینی نوازنده‌ی ویلن سل بود (که زیر دست وردی ساز می‌زد)، کوسویتزکی نوازنده‌ی گنتریاس، کمپ نوازنده‌ی فلوت و جولینی نوازنده‌ی ویولا بودند. به قول معروف: «نمی‌توانید یاد بگیرید چطور مدیریت کنید تا زمانی که چگونه پیروی کردن را نیاموخته باشید.» اگر به اندازه‌ی کافی خوش‌شانس هستید که پیش‌زمینه‌ی نوازندگی ارکستر دارید، فرصت آن را خواهید یافت که موسیقی‌های بی‌ظنیری را با بهترین رهبرها اجرا کنید و تجارب بسیاری (خوب یا بد) به دست بیاورید. این اطلاعات توان شما را برای وقتی که خودتان رهبری می‌کنید افزایش می‌دهد، چرا که می‌دانید ارکستر چطور عمل می‌کند و در آن چه می‌گذرد.

من شکرگزار زمانی هستم که به عنوان نوازنده‌ای حرفه‌ای در یک ارکستر بزرگ کار می‌کردم. البته در نخستین سال‌های کارم به عنوان رهبر ارکستر باید می‌آموختم که چطور بیش از حد لازم به واکنش‌های نوازندگان حساس نباشم. هرگز فراموش نمی‌کنم